

خاك پيرتي قافله ها را « راه ابريشم » بهرات و بلخ و اصل شده چيزی بطرف وادی « سردريا » و سرحدات چين ميرفت و قسمتی بقصد هند ار بلخ به جنوب هند و کوه فرود آمده از کاپيسا عبور مینمود .

بگرام با اعتبار مرکزيتکه در عصر آخرين شاهان يونانی و کوشانی داشت مرکز سلبقه و خوش گذرانی وقت خود بود قراریکه حفريات پارسال به اثبات رسانيد بهترين اشیای تجلی لطيف ترين ظروف شده و چینی - قشنگ ترين صندوقچه های مذبت عاجی و غیره و سابل حیاتی و تزئیناتی از یونان - می زانس چين - و هند در آنجای آمد و خرابه میشد و عوض آن اشیای یومی - زیورات و طنی - پارچه های محلی - قماش های بافتگی اسب های سواری به ممالک مزبور ميرفت نتیجه کشفیات اطاق ده حفر گاه نمره دوم بگرام بوضاحت نشان میدهد که در قرن يك و دوم (قم) و پنج قرن اول مسیحی تجارت به پیمانه زیاد يك طرف بين هند و کاپيسا طرف دیگر بين آسیای غربی و کاپيسا معمول بود . در زمان « مور باها » اسباب ساخت

هند از قبیل سند و قچه های عاج قطعی های چوبی منبت
 پایه های منبت تخت و چارپائی نگینه - جواهرات
 سنگ های تراشیده و صیقلی زیاد به کابل و کاپیسا فر و ختم میشد
 چنانچه سند و قچه های که پارسا کشف شد همه از « ماتورا »
 و سایر نقاط هند مرکزی به بگرام آمده است . تخم های
 شتر مرغ که سر آن را گرد بریده و نگین ها با چوب در آن
 نصب میکردند و بضم چراغ استعمال میشد چیزی است که
 از افریقا و سواحل شرقی بحر الروم با تجار « بی زانتی »
 به بگرام آمده است . علاوه برین هزارها ظروف شبهه نئی
 قشنگی که اکثر آن مورد استعمال دیگری غیر از تزئینات
 داشت هم ذریعه تجار مذکور وارد بگرام گردیده است .
 بعد از فتوحات اسکندر تا نیمه اول قرن اول مسیحی مدت
 تقریباً چهار صد سال یونانی ها در آن سیارفت و آمد داشتند
 درین عصر که در کاپیسا علاوه شهر اسکندریه به قفقاز شهر
 دیگری هم معمور بود بدون گفتگو تجار یونانی در آن آمد
 و شد داشت

در دوره « کوشانی » چون سه امپراطوری بزرگ و مقتدر رومانی ها - کوشانی ها - هان ها - در اروپا و غرب آسیا و « آریانا » و چین حکمرانی داشت با امنیتی که ایشان درین قلمرو بزرگ قائم نموده و ناپایندگان سیاسی که سه بار بار یکدیگر مبادله می نمودند طبعاً تجارت رونق زیادی گرفت چون چینئی ها برای فروش مالالتجاره خود مخصوصاً ابریشم به بازارهای لی زانس « زم شرقی » و شهرهای سواحل بحر الروم احتیاج داشتند و رومانی های خوش گذران به مالالتجاره و ادویه هندی و پارچه های چینی محتاج بودند برای تامین نیازت تجارتی نزد کوشانی ها نمایندند و همینائی ها ندراسیها و سرمایه و بعضی چیزهای دیگر « آریانا » احتیاج زیاد داشتند ملکه چین برای استعمال شخصی خود و خواتین سرپرده سلطنتی سالانه مقدار زیاد سرمایه خریداری می نمود رومانی ها به ادویه و مالالتجاره هندی ضرورت نامه داشتند و سالانه ۵۰ میلیون « سترس » که مبلغ معتدلی میشود درین راه صرف

میکردند طبیعی است که يك مقدار این پول در کاپیسا و دره کابل به خرید اشیا و ادویه صرف میشد .
 بعد ازین تاریخ در دوره هخامنشی که در ایران ساسانی ها و در هند گوپتاها سلطنت داشتند و در دوره های بعد که مصدق به انتشار « نوکیو » یعنی ترک ها و مقتدر شدن برهن ها است تا زمان ظهور دین مقدس اسلام همیشه کاپیسا حایز فعالیت تجارتي بوده و رونق استیلاهی خود را در دهن دره های هندو کوه بازی کرده است .

سیاست

کاپیسا بین بکتریان و هندو واسطه موقعیت بزرگ نظامی خود بمثابه قلعه بود که دروازه های هندو کوه را محافظه میکرد اسکندر اهمیت موقعیت نظامی آن را دیده شهری در اینجا بنا کرد و درتها جماعت خود بطرف بکتریان و هندو در هر دو موقع اول تدارکات خود را در اینجا می نمود و در پناه های هندی که اروپا و اسکندر و زراع جزیرال های او استفاده نموده اغلب نستان شرقی و جنوبی را

بخود ملحق **سکر** داند همیشه حکمرانی در کاپیسا داشتند
 و آخرین آنها «سوفانگازانس» نام داشت و در اثر ورود
 اینتو کوش سوم و ابوتیدم شاه باختر به دره کابل از بین رفت .
 اگر چه بعد از ۲۵۰ (ق م) سرکر سلطنت مستقل یونانی
 باختری شهر «بکتر» بود کاپیسا همیشه در موقع امنیت و محاربه
 بکنیه مرکزیت داشت زیرا تابکز دانی که پایتخت در بکتریان
 بود بعضی شهرآدگان یونانی که با خانوادۀ شاهی باختری مثلاً
 «خانوادۀ ابوتیدم» مخالفت داشتند بیشتر در کاپیسا سرکر
 میگریفتند و بعد از «هلیدو کلس» چون اسکائی ها به باختر ریختند
 طبیعی خود کاپیسا سرکر سلطنت شاهان یونانی گردید .
 قرآزیکه از روی مسکوکات و بعضی شواهد تاریخی ظاهر شده
 معلوم میشود که کاپیسا از خود نشان و علامۀ مخصوصی هم
 داشته و آن عبارت از «سرفیل و کوه» بود که در اکثر مسکوکات
 آخرین شاهان یونانی بخریب رسیده است .
 یونانی های جنوب هندو کوه کاپیسا را ملجاء و سنگر گاه
 خود قرار داده نازمان اضمحلال خود در اواسط قرن اول

مسیحی اراکجا با آنها حیات انسانی و پهلواندس و گریه‌ها بودید
 بعد از «هرمایوس» با دوره کوشانی ها عصر عروج و تعالی
 کاپوسا شروع شد. «کچولا کدورس» و «وینا کدورس» از اجداد
 «آرنا» حکمرانی داشتند چون بخت به سلطان مقتدر
 کوشانی کشمکشانی کمزور شد گرام ناتحت بهاری در گسترش
 امیرا طوری اسبا گردید درین وقت روابط سیاسی «آرنا»
 با خارج نسبت به رعمده های دیگر خیلی وسعت یافت معاصر
 کوشانی ها درجین جاوااده «هان» در ایران باری ها و در
 «اسپای غربی روعا نسا» حاکمیت داشت

علمی که حسدائی هان و وهائی هان را حواشمند دوستی کوشانی
 ها ساخته بود دو چیز بود یکی سیاسی و دیگری تعصبانی
 از نقطه نظر سیاست چون «هان هان» چین و رومانی ها
 هر دو دشمنی مشترک با نارت ها داشتند مابین بودند که ایشان
 را بدست کوشانی ها خصمین سازند از پهلوی تجارت چون
 هر دو طرف از نارت اموال خود از امیرا طوری کوشان
 ناگریز بودند ضمناً اظهار دوستی و موافقت می نمودند به

این جهان روابط عادی سیاسی بین دربار نگرام و چین و امپراتوری روماقائم بود « کد فیزسی » اول موس سلطنت کوشانی سفیری نزد « اگوست » فرستاد و امپراتور در مقام « ساموس Sarmos » از نماینده اول کوشان استقبال نمود . بعد از او کنیشکی کبیر از طرف خود سفیر دیگری نزد « تراجان » فرستاد که به سال ۹۹ مسیحی به ایتالیا و اصل گردید و به روم بحضور امپراتور باز یافت همین طور در بار کوشانی نگرام سفر او نمایندگان بدربار « هان های » چین هم داشت و از طرف آنها یعنی از جانب چینائی ها و رومائی ها نمایندگان سیاسی در نگرام و پشاور پایتخت های بهاری و زمستانی کوشانی ها فرستاده میشد .

در زمان هاطله و جنگ هائی که ایشان با ساسانی ها و کوبتا های هندی اموده اند هم کاندسارول سیاسی بازی کرده سپس چون « تیز کو » نائیک های عربی بر « اربانا » دست یافتند و در صفحات شمال هندو کوه که درین وقت بیشتر بنام « فوره هور » بود با تخارستان یاد میشد قندز هرگز خانات

آنها شده بود در جنوب هندو کوه کاپیسا پایتخت شمرده میشد
 و از پهلوی سیاست رول مهمی بازی میکرد زیرا « گندهارا »
 (دره کابل تا پشاور) امپا کما « لغمان » حتی « کوز بلا » که
 روسای بومی آنها از بین رفته بود تحت نفوذ شاه ترکی
 کاپیسا آمده بودند . قرار شهادت « هیوان تسنگ » زوار چینی
 موقع عبور او در ۶۳۲ « شاه کاپیسا » از قبیله « کاشتریا »
 یعنی نجیب و شخص رشید و دلاوری بود و از اقتدار او ممالک
 مجاور بجان میبرد و به ده دره مختلف حکمرانی داشت «
 رونگ گروسه » فرانسوی درین مورد مینویسد که مانند
 امیر کابل در قرن ۱۷ ، چون شاه کاپیسا راهنی تجارتمی
 اسبابا در تصرف داشت سلاطین مقتدر از رومند دوستی او بودند
 و قراریکه تاریخ تسنگ Tsing خالواده شاهی چین مینویسد
 حتی در قرن ۷ مسیحی هم شاه چین به استقرار روابط دربار کاپیسا
 ذی علاقه بود . بهر حال چون سیاست سیاسی یک منطقه بیشتر منوط
 به موقعیت جغرافیائی است کاپیسا در ادوار قبل الاسلام
 بامر کزتمی که داشت رول مهمی درین زمینه بازی نموده است

فصل نهم

سلسله کاوش و حفريات و نتایج آن

حفريات در بازار چنبد سهرساهی یا سهر کوسنی - قصر سهر چنبد
ساهی - ظروف سینه‌منی - ظروف مفرغ - آسیای حاجی و استخوانی
معبد پوزه سرک

* * * * *

جمله کاپیسا یکی بواسطه قرابتش به کابل دوم علت اینکه
روی معبر بزرگ صفحات شمال افغانستان افتاده خارجی‌ها نیکه
از قدیمترین زمانه‌ها به این مملکت آمده اند آن را دیده اند ،
از جمله ابرو مائی‌ها آنکه بگرام را بفرست دیده و ناخاطر
از ارام در حفر استوپه‌ها و جستجوی مسکو کات اقدام نموده
« سن » انگلیسی است که در ۱۸۸۳ و بعد در اثر حمایت
اعلیحضرت امیر دوست محمد خان وارد کابل شده از کابل
ذریعه بومی‌ها بزرگترین استوپه جنوب شرق کوه پهلوان را
حفر نموده و بعد خودش مخصوصاً به بگرام رفته پانزده هزار

مسکوکات شاهان یونانی - کوشانی را از نزد بومی ها جمع
و با خود برده است .

بعد از ۱۹۲۲ که امتیاز حفريات فرانسه ها داده شد
موسيد فوشه رئيس هيئت اعزامی در ضمن تعین خط سير زوار
چيني « هيوآن تسنگ » در افغانستان در بگرام و اطراف آن
هم مطالعاتی بعمل آورده راجع به موقعت چند جای قدیم
انظريات مفيدی پيش کرد چنانچه بگرام را پایتخت شاهان یونانی
که بل رحین « و برج عبدالله » را شهر کوچک شاهي عصر یونانی
خواند - موسيو « بر تو » بک نفر دیگر از اعضای حفريات
فرانسه در ۱۹۲۵ کاوش های در شهر (جدید شاهي)
و حفرياتی نظرف شرق بگرام در دامنه غربی کوه پهلوان نمود .
بعد از ۱۹۲۵ تقریباً ده سال بگرام بحال خود ماند
و دست نخورد فرانسه ها هم در بین این سه نقاط دیگر
مثل بامیان شهر غلغلہ - تپه مر تجان - ککوتل خیر خانه -
فندقستان عور بند - شیو کی - سیستان و غیره نقاط
مصرف شده در بگرام تا ۱۹۳۶ . حفرياتی نشد .

حفریات در بازار شهر جدید شاهلی یا شهر کوشانی

قرار یلان جدید مرتبه ۱۹۳۵ هیئت حفریات فرانسه مجدداً به بگرام توجه نموده موسیو « کرل » و موسیو « و مونیو » در اوائل ۱۹۳۶ عملیات حفاری را با نقشه وسیع در خرابه های « شهر جدید شاهلی » شروع نموده حین کاوش شمالاً و جنوباً کناره های گودالی را تعقیب نمودند که روی خرابه های شهر عرضاً افتاده است . چون حفریات ادامه یافت معلوم شد که از حسن اتفاقات ایشان به قسمت بازار شهر مصادف شده اند . خلاصه در ۱۹۳۶ رسته دکان های قسمت غربی و در بهار ۱۹۳۷ رسته سمت شرقی را خالی نمودند دامنه معلومات را در موضوع طرز زندگی ، اوضاع الیهت - ظرف خانگی - طرز وساخته ان دکان و دیگر زمینه های حیات عادی طبقه عوام عصر کوشانی خیلی انبساط دارند . در هر کدام از این دکان ها که خالی میشد از مسکوکات سلسله سلاطین کوشانی « کیشیکا » - « هویشیکا » و « اسودرا » حتماً دوسه چهاردانه پیدا میشد .

ظروف سفالی مخصوص رفع احتیاجات خانگی که به تعداد زیاد از اینجا کشف شد تزییناتی دارد بر جسته که بامهر و تابه بعمل آمده و موسیو هاکن تاریخ آنها را به اوایل عصر استقرار کوشانی ها در گرام یعنی به قرن اول و دوم مسیحی نسبت میدهد. چون تفصیلات مزید اشیای مذکور خارج از موضوع محدود این فصل است بدون اینکه داخل جزئیات شویم مختصراً مینگ ریم: - ظروف خانگی اوایل استقرار کوشانی در جنوب هندو کو عموماً سفالی و اشکال عمده آنها قرار آبی است: -

(۱) گیلان های آب خوری پایه دار بلند که شبیه گیلانهای پایه دار شیشی امروزی میباشد.

(۲) بوتل باریک نوع تنگ های (۱) بی دسته یا دسته داری که در آن عموماً حیوانات را میگذرانند.

(۳) یسکنوع دینگ های گلی که بیشتر به خمره های امروزی شباهت دارد.

(۱) تنک یک قسم ظرف گلی مکم بزرگ است و به دو ظرف خود دسپای کوچک دارد.

(۳) قیف سفالی که عیناً بشکل قیف شیشی یا فلزی امروزی میباشد و تاریخچهٔ ایجاد قیف را عجماناً به عصر کوشان مبرساند،
(۴) دستهٔ هونگ سفالی برای میده کردن که به دو طرف جدار اطراف آن شکل «سوا ستبکا» یعنی صلیب گوشه خمیده در دو جا کنده شده است .

(۵) چراغ های گلی که تا امروز فرق نکرده و هنوز هم در خانه های کابل موجود است و بنام «چراغ دستی» یاد میشود .
(۶) اشکال فیل و اسب که به احتمالاً جزو ظروف بوده و پایی و دستهٔ آن را نشکابل میداده .

علاوه بر اشیای فوق بعضی چیزهای فلزی مثل تیغ های چاقو کارد ، سرپیکان شانهٔ استخوانی و غیره نیز پیدا شده است .
دکان های بازار شهر کوشانی عموماً دو حصه داشته یکی «پس دکانی» که در آن دکان داران مثل امروز حال خود را ذخیره میکردند و دیگر خود دکان که در آن اشیا را کم کم کشیده بمعرض فروش میگذاشتند و در بعض جاها به این دو قسمت یک حصه کم بر دیگر هم علاوه میشد . دکان دارها

تماماً دکان های خود را با گل سفید معدنی رنگ
میکردند

قصر شهر جدید شاهي

تقریباً در وسط محوطه نزرگ حصار شهر جدید شاهي
انگرم بر جستگي بود که بار سال دست نخورده بود و موشیو
ها کن در شروع عملیات بارسان سر برستی حفریات انجا را به
« مدام ها کن » سپرده و بعد از اداة کار (۹) اطاق نزرگ
یکی بعد دیگری خالی کرده شد ولی طوری که انقطاع میرفت
از بن (۹) اطاق چیزی مهمی بدست نیامد حتی که کار تخطیة
اطاق دهم شروع شد وضعیت کاملاً تغیر نمود و صاحب قصر که
حتماً شخص با نفوذ و مقتدری بوده با بیش بینی که در مورد
کدام حادثه و تهاجمی داشته به آرامی خاطر آنچه در اطاق
های مختلف قصر داشت همه را در این اطاق نزرگ جمع
و دروارة آن را قفل نموده بود اشیائی که از بنجا بدست
آمده با آنها نیکه فوقاً متد کر شدیم و از گوشه غربی شهر
کشف گردیده است فرق کلی دارد . این اشیا تماماً قرئمانی

و تجسّی واکشراً از هند و سواحل بحر الروم به بگرام وارد شده است . تعداد این اشیای خیلی زیاد اهمیت اکتشاف آن ازین بیشتر است و حتماً درین زمینه کتاب مفصلی از طرف فرانسه ها تحریر خواهد شد (۱) بحالتاً برای اینکه نظر به واقع بد آنها داده باشیم از مقاله موسیو ها کن که در سالنامه امسال شایع شده جسته جسته بعضی چیزها را انتخاب میکنیم .

اطلاق دهم این محل نسبت به سایر اطاقها وسیع تر و دورا دور آن به مواظبت دیوار شده بود اشیای مکشوفه از روی مواد شنشائی - چینی - سنگی درخامه عاجی - استخوانی - مفرغی - چوبی است و با ترتیبی گذاشته شده بود که خیلی انسان را بحیرت می اندازد یعنی تمام اشیائی که خواص بوئانیت و غریبی داشت به مناصه شهابی و چیزها نیکه متعلق فریجه هندی بود به طرف جنوب آن مرتب قرار یافته بود .

(۱) کتاب مذکور بنام کنلاک آثار بگرام از طرف پروفیسرها کن رئیس هیئت حفاریات فرانسه نوشته شده و درین روزها زیر طبع است و شامل سه قسمت میباشد : مقدمه - تفصیل اشیای مکشوفه - نتیجه

ظروف شیشه‌ئی

تعداد ظروف شیشه‌ئی که درین اطاق گذاشته شده بود از هزار هم تجاوز میکرد و عبارت بود از کیلاس های ساده - رنگه - منقوش - بشقاب ها اما های های شیشئی و غیره . کیلاس های مذکور خواص کارخانه های شیشه سازی سواحل شام را ارائه میکنند « از قرن اول تا اوایل قرن چهارم مسیحی ». بعضی کیلاس های منقوش با وجود مرورد زمانه طولانی تزئینات و نقوش رنگه خود را از دست نداده و موضوع بعضی از تصاویر مذکور قرارائی است :-

روی بت جام بزرگ شیشئی دو مرد برای دو زن میوه می‌آورد و درخت های خرما هم به اطراف دیده میشود. در یک پارچه ظرف کوچک شیشه‌ئی دیگر صحنه مقابله دو نفر پهلوان عصر رومن که آن را « گالیر باتور » می‌گفتند معلوم میشود. در یک پارچه دیگر صحنه مقابله سوار و پیاده ترسیم شده در صفحه خارجى بت ظرف دیگر مجسمه « پوزیدون Poseidon » « رب النوع ابصار » نصب است و با مقایسه که شده با تصویر این

درب النوع که روی يك قاب ساخت « کورن » کنار دون
 « مورل » شبا هت دارد

ظروف مفرغ :

در میان ظروف مفرغ که تعداد آن تقریباً به ۵۰ میرسد
 سنگ قرار و یکسوع ظرفی که بشکل شاخ است و آن را
 (ریتون) گویند . قاب های جقور کاسه ها و غیره اشیا بدست
 آمده و مهمترین آن یکسوع سپری است که از دو قطعه مفرغ
 تشکیل شده است که روی هم قرار میگرفت در صفحه قطعه
 فوقانی صورت « مدور » *Méduse* برای ترسانیدن دشمن
 ترسیم شده دوراً دور صورت مرکزی اشکال ماهی ها معلوم
 میشود که دم و شپیر های آنها متحرک است و به هر کدام آن
 زنگوله اویران بود که جنگجو باشور دادن سیر یک آواز
 صهیبی تولید میکرد و دیگر شپیر های ماهی ها را به حرکت
 می آورد . روی صفحه خارجی سپر ورقه ضخیم شیشه داشت
 که در آفتاب میدرخشید و اشکال فوق الذکر از پشت آن
 معلوم میشد .

اشیای عاجی و استخوانی:

در قسمت جنوب اطاق مذکور به استثنای چند ظرف شیشه‌ای باقی تمام صندوقچه‌هائی پیدا شده که مخصوص آنها دن جواهرات بود. این صندوقچه‌ها از صفحات نازک چوب ساخته شده و روی آن قطعات منبت عاج و استخوان نصب نموده بودند. این اشیا چیزهای بسیار قدیمی است که از هند مرگزی یا (ماتورا Matūra) به اینجا آورده شده با گفته نماید که این اشیا با وجودیکه ساخت هند است در خود هندوستان بواسطه حرارت زیاد از آن اثری نمانده باطلادات در جزئیات نماند ویر آن معلوم میشود که نفوذ صنعتی بین النهرین حتی بعضی الیهم صنعت قدیم « سومر Sumer » با جزئیات تر کهنائی صای هندی ضم شده است موسیو ها کن میگویند اشکال بعضی زن‌ها که با بدن‌های چاق و صورت‌های گوشتی منبت شده اند با سبک کار مجسمه‌های مکتب « ماتورا » عصر کوشان (قرن اول و دوم عهد مسیحی) شباهت دارد نزدیکترین مظهر قابلیت صنعت عاج در قسمت‌های معلوم میشود

که موضوع نهایش آن زن هائی است که مصروف آرایش خود
 میباشند . بدن ها مکرراً لطافت تجسم یافته . و ضعیت بقید
 و آزاد آنها در زیبایی خطوط بدن افروخته است . ما نظر به
 موسیو ها کن تمام زیبایی صنعت فرن ۳ « گیتا » در نهایش
 صحنه های فوق گنجانیده شده است . بعلاوه اشیای مختلف
 فوق که در اینجا مختصراً به آنها اشاره شد بعضی گلدان
 ها و ظروف سنگ و جام هم دست آمده و عیناً نظیر آنها در
 خزانه های شهر « بومبئی » ایتالیا که در ۷۹ مسجی
 در اثر آتششایی « کوه فرو » حراب شده نیز کشف
 گردیده است . (۱)

معبد بوزڈنتروک

در آذربایجان کوه دیوان که به در کیلومتری شرق خرابه
 های شهر حد بد شاهی نگرام واقع است یک عده معابد و
 بناهای مذهبی در بوره های کوه معمور بود چنانچه از آن

(۱) تصویر ۴۳ و متن مضمون صفحه ۶۲ کتاب « بومبئی »

ذایف موسیو دلا کورن ملاحظه شود .

جمله یکی خرابه های است که بالای پوزۀ شترک فعلی به
 سه کیلو متری برج عبد الله افتاده و بار سال مهار حفریات
 آن را تحت سنگرانی موسیوها کن « موسیو مزایه » شروع نموده
 و درختان سال مذکور خاتمه داد. چون این بنای مذهبی در
 مرور زمان چند مرتبه مرمت کاری شده و بسعت یافته پلان
 اولیه قدیمه آن مغشوش گردیده قدیمی ترین قسمت آن
 محوطه مربعی بود که در وسط خود استونه بزرگی داشت .
 این حویلی از طرف شرق مربوط بیک حیاط دیگر بود هکذا
 بجانب جنوب و جنوب غرب هم مباحثات داشت . از روی یک
 اوزار و یک صحنه نیم کاره موسیوها کن نتیجه گرفته
 میگویند که صنعتگران در خود این محل مجسمه ها و دیگر آثار
 خود را می تراشیدند قرار نظریه موسیوها کن در میان آثار
 قدیمه مکتشفه آنجا چند پارچه خیلی مهم است عنجمله
 صحنه بزرگی که هنوز در دیوار در جای خود نصب بود یک
 عده راهبین و مریدان آنها را در حال تمجید و احترام بود ا
 نشان میدهد! مکان دارد که راهبین عبارت از سه برادر

(کاسیا یا Kasyapa) و سه نفر مریدان ایشان بوده باشد .
 روی این صحنه يك چوره اعانه دهندگانی هم معلوم میشود
 که مرد آن به نمونه عصر کوشایی لباس پوشیده است موسیو
 ها کن با مقایسه يك صحنه دیگر (که بوداییان تو ایترا یا) را چهار
 را تو تحت کباب نشان میدهد با آثار چینی عصر « وی Wei »
 (حوالی قرن ۵ م) نتیجه گرفته مینویسد که صنعت بودایی
 چین در عصر مذکور خیلی هائحت نفوذ موضوع های مذهبی
 صنعت « گریک و بودیک » آمده است . تا گفته باشد که بعضی
 مجسمه ها مخصوصاً « هیکل چهار شانه بودا » و بیان کارا «
 و دست های بزرگ آن تمزلی در رویه صنعت « گریک و بودیک »
 نشان میدهد .

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳	۳	بقایای	بقایای
۱۹	۱۶	« شا - لو »	« شا - لو - کیا »
۳۲	۱۶	مرید	مرید
۳۶	۱	باد	به باد
۳۶	۸	بر سر	به سر
۴۳	۵	Piluoara	Pihusara
۴۲	۱	از دحام	از دحام
۴۳	۸	Singksen	Siang-kien
۴۶	۶	و	با
۴۹	۵	بکی	بکی
۵۳	۱۴	ویسن	ولسن
۵۸	۸	« سوبها گاسه تانا »	« سوبها گاسنا »
۷۱	۱۱	بود سیزم	بود یزم
۷۲	۱۶	۲۴	۴
۸۸	۱	را	از
۹۰	۸	لی زانس	بی زانس
۱۰۶	۹	نشد	شد